

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
نهم اکتوبر 2002

قسم است

دل شده مایلِ خوبان و به خوبان قسم است
فکر و اندیشه جانان و به جانان قسم است
تار و پودم به خدا سوخت ، ز برقِ نگاهش
مرهم و زخمی پیکان و به پیکان قسم است
تا که افتاد ، به محرابِ جمالش نظرم
بِرَبُّود از کفم ایمان و به ایمان قسم است
آخر از نعره تکبیرِ قیامش به جهان
ز آذان کر شده آذان و به آذان قسم است
سر تسلیم و رضا ، در قدمش بهرِ فدا
آرزوی همه قربان و به قربان قسم است
شریت وصل چشیدم ز جمالِ صنمی
که شدم کافرِ قرآن و به قرآن قسم است
بعد ازین مسجد و دیر و به کلیسا نروم
زانکه از حلقه مستان و به مستان قسم است
حال در معبدِ عشاق که بد نام شدم
نکسَلَم رشته پیمان و به پیمان قسم است

بی‌کس و کوی ، که افتاده به غربت‌کده ای
مونسِ جان ، غمِ هجران و به هجران قسم است
به خدا این غمِ هجران ، عوض می‌نکنم
به دو لک حوری و غلمان و به غلمان قسم است
لایقِ هر کس و ناکس نشود سوزشِ عشق
عاشقان یکسره سوزان و به سوزان قسم است
« نعمتا » ، خاکِ ره آنکه شدی خادمِ او
بکشم سرمه به چشمان و به چشمان قسم است